



دانشگاه مک گیل
مونترال - کانادا

مؤسسه مطالعات اسلامی



دانشگاه تهران
تهران - ایران

مقدمه الأدب

علامه جارا الله ابوالقاسم محمود زنجیری خوارزمی

از روی چاپ لینرک آلمان ۱۸۴۳ میلادی

با مقدمه

دکتر مهدی محقق

تهران ۱۳۸۶

مجموعه انتشارات انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

۱۸

زیر نظر و اشراف: دکتر مهدی محقق

ناشر

مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مکیل

خیابان انقلاب، شماره ۱۰۷۶، طبقه ۷

تلفن ۶۶۷۰۷۲۱۳ - ۶۶۷۲۱۳۳۲

دورنگار ۸۸۰۰۲۳۶۹، صندوق پستی ۱۳۳ - ۱۴۵، تهران

تعداد ۱۰۰۰ نسخه از چاپ اول

مقدمه‌الادب

تألیف: ابوالقاسم محمود زمخشری خوارزمی با مقدمه دکتر مهدی محقق

لبنوگرافی: پارسیان، چاپ: دالاهو، صحافی: مبتم

چاپ و ترجمه و اقتباس از این کتاب منوط به اجازه

مؤسسه مطالعات اسلامی است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۵۲-۳۷-۲ ISBN : 978-964-5552-37-2

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

تهران ۱۳۸۶

سرشناسه	زمخشری، محمود بن عمر، ۲۶۷-۵۳۸ق.
عنوان قراردادی	مقدمه‌الادب.
عنوان و نام پدیدآور	مقدمه‌الادب / جابر الله ابوالقاسم محمود زمخشری خوارزمی؛ با مقدمه مهدی محقق.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مکیل، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	شماره ۳۰۰، ۲۶۹ ص.
فروست	مجموعه انتشارات انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران : ۱۸.
شابک	۱۵۰۰۰ ریال : 978-964-5552-37-2
وضعیت فهرست نویسی	فهرست
یادداشت	متن کتاب فارسی - عربی به همراه نمایه عربی - لاتین.
یادداشت	یشت جلد لاتینی شده: Abu al-Qasim Mahmud Zamaḥshari kharazmi. Muqaddimat al-Adab
یادداشت	ای. جی. ورتشتاین فهرستی از واژه‌های عربی کتاب را همراه با معادل لاتینی آن به کتاب پیوسته است.
یادداشت	چاپ عکسی از روی چاپ لایپزیک آلمان در سال ۱۸۱۳م.
موضوع	زمخشری، محمود بن عمر، ۲۶۷-۵۳۸ق. مقدمه‌الادب -- کشف اللغات.
موضوع	زبان عربی -- واژه نامه‌ها -- فارسی.
موضوع	زبان عربی -- واژه نامه‌ها -- لاتین.
شناسه افزوده	محقق، مهدی، ۱۳۰۸ - مقدمه نویسنده.
شناسه افزوده	وستشتاین، یوهان گوتفرد، ۱۸۱۵-۱۹۰۵م.
شناسه افزوده	Wetzstein, Johann Gottfrid.
شناسه افزوده	موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مکیل.
رده بندی کنگره	۱۳۸۶ از ۶۶۳۶/۲
رده بندی دیویی	۲۹۲
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۳۶۵۹۷

انتشارات
انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران
زیر نظر و اشراف: دکتر مهدی محقق

- ۱- گزارش نخستین مجلس علمی انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، مشتمل بر سخنرانی‌های ایراد شده، به کوشش دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۵۴).
- ۲- قرّة العین، مشتمل بر امثال قرآن و احادیث و اندرزهای فارسی و عربی و نوادر حکایات، به کوشش دکتر امین پاشا اجلالی با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تبریز ۱۳۵۴).
- ۳- همایی‌نامه، مشتمل بر شرح احوال و آثار مرحوم استاد جلال‌الدین همایی و بیست و پنج مقاله علمی و ادبی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۵۵).
- ۴- جشن‌نامه مدرّس رضوی، مشتمل بر شرح احوال و آثار مرحوم استاد سید محمدتقی مدرّس رضوی و سی مقاله علمی و ادبی تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر سید ضیاءالدین سجادی با همکاری دکتر اسماعیل حاکمی و محمد روشن، (تهران ۱۳۵۶).
- ۵- ظرائف و طرائف یا مضاف و منسوب‌های شهرهای اسلامی و پیرامون، این فرهنگ که در نوع خود بی‌نظیر است، مشتمل است بر متجاوز از هشتصد واژه مضاف یا منسوب با ذکر شواهد از نظم و نثر و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی شهرهای اسلامی، تألیف دکتر محمد آبادی باوایل با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تبریز ۱۳۵۷).
- ۶- حواشی دکتر محمد معین بر دیوان خاقانی به پیوست سه مقاله درباره آن شاعر، به کوشش دکتر سید ضیاءالدین سجادی، (تهران ۱۳۵۸).
- ۷- بوستان سعدی، با مقدمه و توضیحات و شرح نسخه بدل‌ها، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی به مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۵۹).
- ۸- آرام‌نامه، مشتمل بر شرح احوال و آثار استاد احمد آرام و مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۶۱).
- ۹- ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار، از کمال‌الدین حسین خوارزمی، با مقدمه و حواشی و تعلیقات، به کوشش دکتر مهدی درخشان با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۶۰).
- ۱۰- یادنامه ادیب نیشابوری، مشتمل بر شرح احوال و آثار مرحوم شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری معروف به ادیب ثانی و مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۶۵).

شش / فهرست انتشارات انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

- ۱۱- نکته‌ها و نقدها در پنجاه و پنج مقاله، به قلم دکتر حمید فرزاد و مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۰).
- ۱۲- جهانگیرنامه، سروده قاسم مادح، به کوشش و تصحیح دکتر سید ضیاءالدین سجادی و مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۰).
- ۱۳- دیوان غزلیات و رباعیات فتاحی نیشابوری (سیبک)، به اهتمام دکتر مهدی محقق و کبری بستان شیرین، (تهران ۱۳۸۱).
- ۱۴- فرهنگ بیست هزار مثل و حکمت و اصطلاح، گردآوری و تدوین دکتر مهندس صادق عظیمی، با پیشگفتار و مقاله‌ای از دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۲).
- ۱۵- نصاب انگلیسی یا زبان آموز سنتی ایران، معتمدالدوله فرهاد میرزا، به اهتمام دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۴).
- ۱۶- مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، با حواشی و تعلیقات و توضیحات مرحوم استاد جلال‌الدین همائی، با مقدمه فارسی و انگلیسی از دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۵).
- ۱۷- رحمت و غضب الهی در مثنوی معنوی، تألیف حمیده حجازی، با مقدمه فارسی و انگلیسی دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۵).
- ۱۸- مقدمه‌الأدب، محمود بن عمر بن محمد زمخشری، برگرفته از نسخه فاکسیمیله چاپ شده در سال ۱۸۴۳ در لایپزیک به وسیله ای. جی. و ترشتاین، با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۶).

سرآغاز از خدا جوئیم توفیق ادب

علامة الزمان و نسابه العرب، جارالله زمخشری، از نوادر دهر است و مصنفات و مؤلفات وی، هر یک در نوع خود کم نظیر و مثال زدنی است. او مسلماً دارای روحی متعالی و از فیض حضرت اقدس ربوبی مستفیض بوده، زیرا آنچه از آثار وی مستفاد است، وی در زمینه جلای دل، مضایق سلوک و عقبات طریقت را به جان خریدار بوده، به طوری که نام و نشان جبار الاهی را در این مقام کسب کرده است.

هوای کعبه چنان می کشاندم به نشاط که خارهای مغیلان حریر بنماید
اما، آن چه این بنده را بر آن داشت تا عرض ادبی به ساحت علم و دانش داشته باشد، مشاهدات و معایناتش بود در تلاش پی گیر و مستمر و بی دریغ حضرت استادی جناب آقای دکتر مهدی محقق در تعلیم و تدریس و نشر و اشاعه معارف و فرهنگ اسلامی - ایرانی.
در این مقام بر خود روا می داند، آنچه در ضمیر دارد، و بر لوح دلش نشسته، گوشه ای از آن را بر این صفحه قلمی کند.

جناب استاد مهدی محقق به حق از بقیة الماضین می باشند، زیرا سیره علمی و عملی ایشان و وجود ذی جودشان یادآور نام بزرگان و اساطین علم و حکمت مملکت عزیزمان ایران است، همچون اسوه و نفاوة فضل و فضیلت، حکیم متاله، سید سند، محمد کاظم عصار و استاد بزرگ و بی بدیل جلال الدین همائی و فقیه فیلسوفان و فیلسوف فقیهان شیخ محمد تقی آملی. دوستان و شاگردان ایشان از سر صدق و اخلاص از درگاه حضرت احدیت مسألت دارند وجود نازنین و پر برکت ایشان را حفظ کنند، و سلامتشان بدارد، و تنش را بیش از این گرفتار ناز طبییان نکند.

حقیر، مسلماً در رهگذر ایام به ویژه در نشر این کتاب، مشمول خاص الخاص برکات حضرت

دوازده / زمخشری و مقدمه‌الادب

القسم الأول و هو قسم الأسماء، بهرة نخستین و ابن بهره نامهاست.

۱. فی الزمان و الأوقات، اندر زمان و روزگارها، ۱
۲. فی السماء و العلویات، اندر آسمان و آنچه که دروست، ۵
۳. فی الأرض و ما یتعلق بها، اندر زمین و آنچه که ازوست، ۸
۴. فی المعادن و ما یتعلق بها، اندر کانه‌ها و آنچه که ازو خیزد، ۹
۵. فی السوارع و الطرُق، اندر راهها و گذرگاهها، ۱۱
۶. فی المياه و ما یتعلق بها، اندر آبها و آنچه ازوست، ۱۱
۷. ممّا ینبت من الأرض، اندر آنچه که از زمین روید، ۱۴
۸. فی البساتین و ما ینشاء فیها، اندر بوستانها و راغها و آنچه از آنها خیزد، ۱۶
۹. فی البقولات، اندر تره‌ها و سبزی‌ها، ۱۶
۱۰. فی الأعشاب و المراتع، اندر گیاهها و مرغزارها، ۱۶
۱۱. فی أدوات الزراعة، اندر ساز کشت و باغستانها، ۱۷
۱۲. فی البقاع و أماكن البلاد، اندر نام جایگاهها و سرزمین‌ها، ۲۰
۱۳. فی البیوتات و الأبنیة، اندر سرای‌ها با آنچه که در نهاد او دارند، ۲۳
۱۴. فی أثاث البیت، اندر آنچه که سرای‌ها را ساز و برگ است، ۲۵
۱۵. فی أسامی المشرفة، اندر نامهای بزرگ داشته، ۳۰
۱۶. فی أعضاء الإنسان، اندر پاره‌های تن مردمان، ۳۲
۱۷. فی أطوار الخلفة، اندر چند نهاد آفریدگان، ۴۰
۱۸. فی طبیعة الإنسان، اندر سرشت یا نهاد مردم، ۴۳
۱۹. فی الأزواج و الأبکار، اندر کدخدایان و دوشیزگان، ۴۳
۲۰. فی الأنساب و الأقارب، اندر نژاد مردمان با خویشاوندان، ۴۴
۲۱. فی الأحباب و [الأعداء] و الأقربان، اندر دوستان با دشمنان با دیگر همالان، ۴۵
۲۲. فی العُملاء و الأساتذة، اندر کارداران با استادان، ۴۶
۲۳. فی أسامی الأعاضم و الأشراف، اندر نامهای مهتران و نام‌آوران، ۴۶
۲۴. فی الأرقاء و الخدم و ما فی معناها، اندر بردگان و گماشتگان و هرک در نهاد ایشان باشد، ۴۸
۲۵. فی الحسنات و السَّیئات، اندر نیکیها و بدیها، ۴۸
۲۶. فی الفرقان و الأثر، اندر نامه ایزد و هرچ ازو آید، ۴۹
۲۷. فی الکتاب و أدوات الکتابة، اندر کار دبیران و آنچه از دست‌افزار ایشان بیاید، ۴۹
۲۸. فی جنان الخلد و ما فیها، اندر بهشت جاویدان با هرچ که در اوست، ۵۰
۲۹. فی الأدیان و الأحبار، اندر کیش و آیین مردمان و پیش‌روان ایشان، ۵۱
۳۰. فی النِّیران و درکاتها، اندر دوزخ و دوزخیان، ۵۱

۳۱. فی آلات الصُّنَاع، اندر سازکار یا دست‌افزار پیشه‌وران، ۵۲
۳۲. فی السَّقَايَة و آلاتها، اندر آب‌ورزان و آنچ ایشان را درکار است، ۵۲
۳۳. فی الفراء و ادواتها، اندر پوستین با هرچ ازو آید، ۵۳
۳۴. فی الحیاکة و اسبابها، اندر بافته و بافندگان و هرچ ایشان را بکار آید، ۵۳
۳۵. فی السِّفَافِین و التَّوَاتِی، اندر کشتیها با ناخدایان، ۵۳
۳۶. فی الحديد و الأقیان و ادواتهم، اندر آهنگران و هرچ ایشان را دست‌افزار آهنین بیاید، ۵۳
۳۷. فی الصَّیْد و الصَّیَاد و الشَّباک، اندر نخچیر یا نخچیرکاران با دام، ۵۴
۳۸. فی المغنُون و آلات الطَّرَب، اندر کار سازها با خنیاگران، ۵۴
۳۹. فی الألعاب و اللَّعَابُون، اندر ورزیدن بازیها با بازیگران، ۵۵
۴۰. فی الرِّوَاتِح الطَّیْبَة و آلاتها، اندر مشک و هرچ بدو ماند از خوشبویها، ۵۵
۴۱. فی الأشربة و الخُمُور و الحانات، اندر نوشابه با باده با میکده، ۵۵
۴۲. فی أدوات القَصَّار، اندر دست‌افزار گازران، ۵۶
۴۳. فی النَّجَّارُون و حرفتهم، اندر درودگران و پیشه ایشان، ۵۶
۴۴. فی المَدِیة و القَصَّاب، اندر پیش‌خوان و هرچ گوشت‌فروشان را باید، ۵۶
۴۵. فی البیطرة و البیطار، اندر [پزشک‌ستوری با] پزشک‌ستوران، ۵۶
۴۶. فی الحَجَّام و الفَصَّاد، اندر رگ‌زن و سرتراشان، ۵۶
۴۷. فی الذَّهْن و الذَّهَان، اندر روغن و روغن‌گران، ۵۷
۴۸. فی الابر و الابار، اندر سوزن و سوزن‌گران، ۵۷
۴۹. فی النَّصَّاح و النَّصَّاح، اندر گروهه ریسمان و درزیان، ۵۷
۵۰. فی الغزل و المغازل، اندر دوک با دیگر ابزار ریسندگان، ۵۷
۵۱. فی الحَلَّاج و المحلجة و المندفة، اندر کمان با شانه پنبه‌زن، ۵۷
۵۲. فی العقاقیر و الصَّیْدَلَانِی، اندر داروها با پيله‌وران، ۵۷
۵۳. فی الجروح و الأدوية، اندر گوناگون ریشها با بیمارها، ۵۸
۵۴. فی التَّوَابِل و الأَبَازِیر و القامی، اندر دیگ‌افزار و هرچ در دکان فامی بیاید، ۵۹
۵۵. فی الأطعمَة و المَادَب، اندر نام خورشتها و میهمانیها، ۵۹
۵۶. فی الأثواب و اصناف الرِّیاش، اندر هرچ از گلیم، دیبا با دیگر جامها (= جامه‌ها) است، ۶۱
۵۷. فی الفرس و اللَّبُود و الأكسیة، اندر هرچ از پلاس نم‌د با دیگر پسترهاست، ۶۳
۵۸. فی العدَّ من واحد إلى الف الف، اندر شمار از یک تا هزار هزار، ۶۴
۵۹. فی الحصص و الأسهم، اندر بهره‌ها با نهره‌ها، ۶۵
۶۰. فی المقادیر و اوزان الذَّهَب و الفضة، اندر تسوها با همسنگهای سیم و زر، ۶۵
۶۱. فی المکابیل و الموازین، اندر پیمانه‌ها با ساز و برگ ترازوها، ۶۶

چهارده / زمخشری و مقدمه‌الادب

۶۲. فی أصناف الخیول، اندر نام گوناگون اسبها، ۶۶
۶۳. فی أسامی اعضاء الخیول، اندر نام هر پاره از تن ستوران، ۶۷
۶۴. فی شیب الخیول، اندر آنچ بر اسبها باشد از نشانیها، ۶۷
۶۵. فی الحلبات و المضامیر، اندر اسپریسگاهها با میدانها، ۶۷
۶۶. فی ما للمراکب من الأعنة و السرج و المقاد، اندر لگام با دیگر ساخت با استام ستوران، ۶۸
۶۷. فی الجیوش و الطلائع و المعارك، اندر سپاهیان با پیش‌آهنگان با میدانها ۶۸
۶۸. فی عتاد الجیش من الطبول و المقار و الزیات، اندر آنچ بدان آرایش سپاه کنند از کوس با سرنای با درفش، ۶۹
۶۹. فی أن للوغی أبطال مقاتلة، اندر آنک نبرد را مردان شمشیرزن باید، ۶۹
۷۰. فی عتاد الجیش من السیوف، اندر آنچ سپاهیان را در ساخت نبرد از شمشیر بیاید، ۶۹
۷۱. من شکک الجیوش الزماح و الأسلات، اندر آنچ سپاه را در استام نبرد نیزه می‌بایست، ۶۹
۷۲. فی اهبة الجیوش من القسی و النبال، اندر آنچ تیراندازان سپاه را شاید از کمان با تیر خدنگ، ۶۹
۷۳. فی السکین و السکاکین، اندر کارد با کاردگران، ۷۰
۷۴. فی العصی و السیاط، اندر نام چوب‌دستی با تازیانه، ۷۰
۷۵. فی السوابغ و التجافیف و البدن و المجان، اندر هرج از زره با برگستوان با سپر بیاید، ۷۱
۷۶. فی أسامی البهائم و الأنعام، اندر نام گوناگون چهارپایان با ستوران، ۷۱
۷۷. فی ما للجمال و الثوق من المشافر و المناسم، اندر آنچ برای اشتراک است از لفعج با سمب یا جز آن، ۷۲
۷۸. فی ما للابل من الأزمة و الأفتاب، اندر آنچ اشتراک را از ساخت و سنام بیاید، ۷۲
۷۹. فی البغال و الحمر و الفراء و غیرها، اندر نام هرج از استر و گورخر با دیگران ستوران، ۷۳
۸۰. فی المعالف و الاکف و الأعباء و الإصطبلات، اندر نام هرج که چهارپایان راست از آخور، پالان با بار با ستورگاه، ۷۳
۸۱. فی الثیران و المعجول و الجوامیس، اندر نام گاو، گوساله و گاو میش، ۷۳
۸۲. فی المعز و الأغنام و أصوافها و أوبارها و أخلافها و ألوانها، اندر آنچ که مر بز با گوسپندان را از پشم با کرک با پستان با رنگ باشد، ۷۳
۸۳. فی الوحوش من الطباء و الجاذر و غیرها، اندر جانوران دشتی از آهو و گوزن و جز آن، ۷۴
۸۴. فی السباع و الضباع و أعضائها، اندر نام درندگان با ددگان و آنچ بدیشان ماند یا پیوند یابد، ۷۵
۸۵. فی الهوام و الثعابين، اندر نام گوناگون جنبندگان یا خزندگان، ۷۶
۸۶. فی الهوام و الحشرات، اندر جنبندگان و خزندگان، ۷۶
۸۷. فی الطیور من الجوارح و البیزان و النسر، اندر نام پرندگان شکاری از شاهین و باز و بساشه و کرکس، ۷۷

۸۸. فی البغاث و سایر الطیور، اندر نام مرغان خرد با دیگر پرندگان، ۷۸
۸۹. فی الألوان، اندر نام گوناگون رنگها، ۷۹
۹۰. فی الأنواع و الأصناف و الحدود و الغایات، اندر هر چند با هر گونه نهاد با آغاز با انجام هر چیز، ۸۰
۹۱. المضممرات، الضمیر المنفصل المرفوع، اندر نامهای پوشیده، نامهای هم پوشیده هم گسسته مرفوع، ۸۱
۹۲. الضمیر المنفصل المنصوب، نامهای هم پوشیده هم گسسته منصوب، ۸۱
۹۳. الضمیر المتصل المجرور، نامهای هم پیوسته هم پوشیده مجرور، ۸۱
۹۴. الضمیر المتصل المرفوع، اندر نامهای هم پوشیده هم پیوسته مرفوع، ۸۱
۹۵. الضمیر المتصل المنصوب، اندر نامهای هم پوشیده هم پیوسته منصوب، ۸۱
۹۶. فی الظروف و الفاظ الکنایات، اندر هر چ از جایهاست با سخنان ناسره، ۸۱
۹۷. فی أسماء الاشارة، اندر نامهای ناسره، ۸۲
۹۸. فی الموصولات، اندر نامهای پوشیده پیوندشده، ۸۲
- چاپ دانشگاه از مقدمه الادب هر چند که به دست آوردن معانی فارسی لغات عربی را با دو فهرستی که دارد، آسان می سازد ولی تصحیحات قیاسی نادرست که مصحح در برخی از لغات انجام داده، اعتماد جوینده را نسبت به آن چاپ سلب می کند و دیگر برخی از حواشی بارد و نادرست که مصحح بر کتاب افزوده است، آدمی را نسبت به تحقیق او دچار تردید می کند. در مورد اول شاهد زیر نمونه روشن است:
۱. در صفحه ۳ از چاپ لیبزیک - یعنی همین کتاب که در دسترس داریم - در برابر کلمه خریف آمده: تیرماه، پائیز (ص ۳). در چاپ دانشگاه ما چنین می بینیم: مهرماه، پائیز (ص ۸) مصحح کتاب توجه به معنی دیگر تیر که پائیز باشد، نداشته و مهر ماه را مناسب با خریف دانسته در حالی که این معنی در اشعار فارسی یعنی تیر به معنی پائیز در برابر بهار بسیار دیده می شود مانند:
- تاکی گله کنی که نه خوبست کار من وز تیرماه تیره تر آمد بهار من
(دیوان ناصر خسرو، ص ۲۹۸)
- اگر به تیرمه از جامه بیش باید تیر چرا برهنه شود بوستان چو آید تیر
(دیوان عنصری، ص ۷۳)
- تاسپاه گل هزیمت شد ز خیل ماه تیر
- از ترنج افروخت بستان چون سپهر از ماه تیر
(دیوان قطران، ص ۱۳۳)
- در مورد دوم عبارت زیر شاهی صادق است:
- در صفحه ۲۴۷ آنجا که کلمه «رشوه» به پای مزد معنی شده، در حاشیه نوشته است:
- این واژه یکی دیگر از کرشمه های اهریمنی تازیان که به همراهی خویش به این مرز و بوم آورده و خوی

پاکیزه و آراسته مردم کشور پارس را بدان پلبیدی بیالوده‌اند. زیرا مردم پاک‌نهاد و به‌دین سرزمین پهناور پارسی که به خوی گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک آراسته بود، ازین واژه و کردار اهریمنی آن‌گریزان بوده و با چنین گفتار و کردار ناهنجار آشنائی نداشته‌اند. ازین رو در زبان فارسی دری و نه در زبان پهلوی یا اوستائی یا زبانهای بومی ایران چنین واژه اهریمنی هرگز نبوده است زیرا بدان نیازی نداشته‌اند. این عبارات که نه در شأن یک استاد است و نه مناسب کتابی که نشانه دانشگاه بر روی آن است، حکایت از یک نوع تعصب و شعوبیگری دارد که با موازین علمی هم منطبق نیست زیرا کلمه «پارک ستانشیه» پهلوی یعنی پاره‌ستانی همان ریشه است و هیچ قوم و طایفه‌ای از آن مبرا نبوده‌اند و در هر زبانی کلمه‌ای در برابر آن موجود است و در ادب فارسی هم دیده می‌شود:

چون نار پاره پاره شود حاکم
گر حکم کرد باید بی پاره

(دیوان ناصر خسرو، ص ۲۹۷)

گذشته از این در فهرست کلمات فارسی - که باید فقط کلماتی که خود زمخشری در برابر واژه‌های عربی یاد کرده، بیاید - گاهی کلماتی دیده می‌شود که از زمخشری و اصل کتاب نیست بلکه در متن مقدمه نویسنده آمده و با کلمات مؤلف مخلوط شده است. مانند کلمه «همگی» که در زیرنویس مصحح در صفحه ۳۴۳ آمده و از مؤلف نیست.

انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران بسیار مفتخر است که این کتاب نفیس و پرارزش را - که برای زبان‌شناسان و ادب‌پژوهان بسیار سودمند است و نسخه‌های آن که یکصد و شصت و چهار سال پیش در شهر لایپزیک آلمان چاپ شده، نایاب گردیده است - در اختیار اهل دانش و تحقیق قرار می‌دهد تا هم یکی از دانشمندان بزرگ ایرانی یعنی زمخشری را به اهل دانش و علم معرفی کرده باشد و هم خدمت او را به زبان فارسی در دسترس استادان و دانشجویان زبان و ادب فارسی نهاده باشد. امید است که اعضای محترم انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران و سایر دوستداران زبان و ادب فارسی از این اثر شریف حداکثر استفاده را بنمایند. بعون الله تعالی و توفیقه.

در پایان از دوست عزیز جناب آقای دکتر محمد موقتیان عضو محترم انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران و مدیر پیشین مجله معارف اسلامی، که همه هزینه‌های چاپ این کتاب را عهده‌دار شدند، تشکر و سپاسگزاری می‌نماید.

مهدی محقق

رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

شانزدهم مهر ماه ۱۳۸۶